

سال دوم، شماره پنجم، تابستان ۱۳۹۲

عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن در میان جوانان گیلانغرب

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۸

تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۱۳

آرش ضیاءپور*^۱، مصطفی باقریان جلودار^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن در میان جوانان گیلانغرب می‌باشد. در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه «بوردیو» و «گیدنز» به بررسی تجربی فرضیه مدیریت بدن پرداخته شده است. این تحقیق به صورت پیمایشی و با ابزار پرسشنامه با حجم نمونه ۴۰۲ نفر از جوانان (دختر و پسر) ۱۵-۲۹ ساله ساکن در شهر گیلانغرب انجام شد. نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد میانگن کل مدیریت بدن در بین دو جنس برابر با ۲/۸۲ می‌باشد. از این میانگین حدود ۳/۲ درصد از پاسخ‌گویان از نظر «مدیریت بدن» در وضعیت «بالا»، و ۷۲/۹ درصد نیز در موقعیت «متوسط» و در آخر نیز حدود ۲۳/۹ درصد از این نظر در سطح «پایینی» قرار دارند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای جمعیتی-اجتماعی، با مدیریت بدن رابطه معنا‌داری دارند. همچنین، نتایج رگرسیونی خطی چند متغیره نشان می‌دهد از بین متغیرهای جمعیتی-اجتماعی مذکور تنها متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی با ضریب بتای (۰/۲۰۶) قوی‌ترین رابطه با مدیریت بدن جوانان (دختر و پسر) را نشان می‌دهد. بطور کلی مدل ارائه شده در این مقاله ۵/۲ درصد تغییرات متغیر وابسته مدیریت بدن را توضیح می‌دهد.

مفاهیم کلیدی: مدیریت بدن، جوانان، جامعه‌شناسی بدن، مدیریت ظاهر، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، گیلانغرب

1. * نویسنده مسئول، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمانشاه
arash.ziapour@kums.ac.ir

2. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مازندران

مقدمه

جذابیت جسمانی از جمله موضوعاتی است که در دوران مدرن استانداردهای جدیدی پیدا کرده و از عوامل شکل دهنده روابط افراد محسوب می‌شود، به طوری که مدیریت بدن در دوران مدرن اهمیت بیشتری پیدا کرده است و رفتارهای گوناگون بهداشتی نظیر بدن‌سازی، رژیم‌های غذایی، تجهیزات ورزشی و آرایشی مختلف برای مراقبت از بدن پدیدار شده است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۴۹ و ۱۵۰). به نظر می‌رسد در دوره جدید با تحولات جهانی شدن، بیش از حد به مسأله بدن توجه شده است که می‌توان به پاره‌ای عوامل اشاره کرد: سیاسی کردن بدن توسط فمینیست‌ها، عوامل جمعیت‌شناختی، رشد فرهنگ مصرفی، پیدایش تکنولوژی‌های جدید و حرکت به سوی مدرنیته (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۷: ۱۳۱ و ۱۳۲).

به علاوه بدن محملی برای ابراز هویت و نمادی از شخصیت فرد محسوب می‌شود. کنترل بر بدن و توجه به ترکیب، تزئین و هیبت ظاهری و بیرونی آن ابزاری است که به جوانان امکان می‌بخشد روایت مشخصی از هویت شخصی را حفظ کنند و آن را در معرض تماشای دیگران قرار دهند. معیارها و استانداردهای جامعه و ایده‌آل‌های معرفی شده در رسانه‌ها و یا دیگر عوامل اجتماعی‌کننده، تصویر ذهنی از وضعیت جسمانی افراد به آنها می‌بخشد. به همین‌سان، ارزیابی افراد از قضاوت‌های هنجاری نسبت به ویژگی و شاخص‌های فیزیکی بدن‌شان، بر رضایت یا ناراضی‌تی آنها نسبت به آن تأثیر می‌گذارد. بدین ترتیب، فرهنگ بدن بیانگر اهمیت فزاینده‌ای است که بدن به مثابه کانونی برای تعامل و بازاندیشی فرد نسبت به خویش یافته است (ذکایی، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

اهمیت و رواج فزاینده انتخاب افراد در گزینش وسایل مورد نیاز برای مدیریت بدن و ظاهر خود، ظاهراً ناشی از فعالیت‌هایی است که افراد در فضای اجتماعی جوامع مدرن انجام می‌دهند. بدین‌سان از جمله رفتارهای اجتماعی که افراد و بخصوص جوانان سعی می‌کنند از طریق آن هویت خود را بازنمایی کنند، سلیقه و ذوق آنها در مدیریت کردن ظاهر و بدن خود است. زیرا در مدرنیته متأخر، نوع مدیریت ظاهر به عنوان نماد تمایز بخش افراد درک می‌شود و معنای هویتی آنان از این منظر مورد قضاوت قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، جوامع، امروزه، تغییرات اجتماعی و رشد فرهنگ مصرفی فزاینده‌ای را تجربه می‌کنند. از این رو، بدن از اهمیت زیادی برخوردار شده و توجه بسیاری از محققان را به خود معطوف داشته است. زیرا جهان به جای ورود به دنیای پست مدرن به سوی دوره‌ای گام بر می‌دارد که در آن پیامدهای مدرنیته، ریشه‌ای‌تر و جهانی‌تر از پیش شده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۰). از این رو، یکی از مسائل مطرح شده

در این حوزه مدیریت بدن است که امروزه در بین جوانان (دختر و پسر) عمومیت و رواج زیادی یافته است زیرا مدیریت ظاهر، از طریق اعمال و کردارهایی مثل انتخاب نوع لباس، پوشش ظاهری، آرایش بدن، نوع سلیق ورزشی، رژیم‌های غذایی و ... بیان می‌شوند. بدین‌سان مدیریت ظاهر نیز می‌تواند به عنوان عامل هویت فردی و جنسی افراد عمل کند. در مدرنیته متأخر، نوع مدیریت ظاهر افراد، رنگ و نماد تمایز بخشی را به خود گرفته است. از این رهگذر، تمایزات رفتاری و نگرشی را می‌توان از طریق تفسیر تفاوت الگوهای مدیریت ظاهرشان درک کرد. بنابراین، بازتابی بودن هویت در دوره مدرنیته متأخر و کنترل شکل‌های هویت مترادف با ذوق و سلیقه فرد برای مدیریت ظاهر، به مثابه حامل خویشتن، خواهد بود و بدین ترتیب، نوع مدیریت بدن افراد به عنوان وسیله‌ای جهت تمایز بخشیدن میان هویت آنان، اهمیت و مرکزیت می‌یابد. از این رو، نوع مدیریت کردن ظاهر بدن به منزله یک معرف هویتی، در برداشت افراد از خویشتن خود و قضاوت‌های دیگران در مورد نمای ظاهری آنان اهمیت می‌یابد. بنابراین هویت افراد در مدرنیته متأخر بیشتر در فرهنگ بصری یا دیداری و نمودهای عینی همچون بدن آنان نهفته است (فیتز پتریک، ۱۳۸۵: ۶۹).

با آمدن مدرنیته نگرانی‌ای در انسان مدرن در خصوص رابطه اجتماعی‌اش با دیگران و قضاوت آنها درباره خودش به وجود آمد که بدن یکی از مهم‌ترین عرصه‌های این نگرانی‌هاست (راد و لنون، ۱۹۹۴: ۱۱۳). در عصر حاضر، زندگی روزمره به موضوع انتخاب شخصی تبدیل شده است بدین معنا که مردم می‌توانند کاری را انجام دهند که می‌خواهند و می‌توانند چیزی بشوند که خودشان می‌خواهند بشوند، رویه‌ای که حاکی از فردی شدن است. امروزه، مردم به طور فزاینده‌ای بر مبنای علایق و منافع فردی دست به کنش می‌زنند و بدن نیز در این جریان فردی شدن، اختصاصی‌تر می‌شود و هر کس سعی در مدیریت بدن خویش دارد (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

موضوع بدن یکی از مولفه‌های سبک زندگی است. اهمیت یافتن بدن و ظاهر، به عنوان مقوله‌ای مهم در فرهنگ و سبک زندگی جوانان، موضوعی قابل بررسی است. از آنجایی که تاکنون پژوهشی در خصوص مدیریت بدن و رابطه آن با عوامل مؤثر اجتماعی در بین جوانان (دختر و پسر) شهر گیلانغرب صورت نگرفته است و با توجه به اهمیت این موضوع، این پژوهش در پی بررسی این سؤال است که وضعیت مدیریت بدن در بین جوانان (دختر و پسر) چگونه است. آیا تفاوتی به لحاظ مدیریت بدن در بین جوانان وجود دارد؟ میزان تأثیر متغیرهای زمینه‌ای - اجتماعی بر مدیریت بدن چقدر می‌باشد؟

مبانی نظری

الف: رویکردهای انسان‌شناسانه

مارل موس

رابطه بدن و جامعه، از انسان‌شناسی و مباحث مارل موس^۱ آغاز شد. موس در مقاله تکنیک‌های بدن (۱۹۳۴) پیوند میان تکنیک‌های بدن و نظام‌های اجتماعی را نشان داده و با استفاده از مفهوم عادت‌واره^۲ مختص بودن فعالیت‌های بدنی و جسمانی را به یک فرهنگ و جامعه خاص نشان می‌دهد و آن را دستاوردهای تاریخی می‌داند که به واسطه آن مردمان یک فرهنگ و جامعه می‌آموزند که چگونه از بدن‌هایشان استفاده کنند. به نظر او «چنین استفاده‌هایی فنی، سنتی و کارآمد هستند. آنها به وسیله مجموعه خاصی از حرکات و فرم‌ها شکل می‌گیرند و به وسیله ابزارهای تعلیم و آموزش به دست می‌آیند و هدف یا وظیفه معینی را انجام می‌دهند» (کراسلی، ۱۹۹۵: ۱۳۴). به اعتقاد "موس" تکنیک‌های بدنی، تکنیک‌هایی قابل انتقال و آموختنی از طریق پروسه‌ی اجتماعی یادگیری‌اند. هر نوع عملی، نقش یادگیری را نشان می‌دهد. این تکنیک‌ها در صورتی شکل می‌گیرند که دو عنصر وجود داشته باشد: "نخست، تکنیک باید اثرگذار و از همین رو بوجود آورنده‌ی نتیجه مطلوب باشد و دوم، در متن سنتی باشد که انتقال آنرا ممکن کند" (لچت، ۱۳۷۸: ۵۹).

مری داگلاس

مری داگلاس^۳ یکی دیگر از صاحب‌نظران حوزه‌ی انسان‌شناسی، «بدن را به مثابه یک متن فرهنگی در نظر می‌گیرد که ارزشهای فرهنگی، اشتغالات و اضطرابات یک فرهنگ خاص را منعکس می‌سازد و تجلی عینی بدن می‌بخشد» (ذکایی، ۱۳۸۵: ۱۲۲). او بر جنبه‌های نمادین زندگی اجتماعی تاکید دارد، بدن انسان را نیز ابزار تفکر در خصوص روابط استعاره‌ای دانسته و معتقد است: «بدن انسانی، منبع مهمی از استعاره‌ها درباره سازمان یافتگی و سازمان نیافتگی جامعه است. از اینرو بدن‌های سازمان نیافته، سازمان نیافتگی جامعه را نشان می‌دهد» (ترنر، ۱۹۹۶: ۲۶).

داگلاس در دیگر اثر خود با عنوان "نمادهای طبیعی"^۴ نیز به بدن فیزیکی و بدن اجتماعی

1. M. Mauss
2. habitus
3. M. Douglas
4. natural Symbols

اشاره می‌کند و معتقد است که ابهام در سازمان اجتماعی، موجب تفکیک این دو بدن می‌شود. او بدن فیزیکی را جهان کوچکی از جامعه می‌داند که با مرکز قدرت، قراردادهای و فشارهای اجتماعی پیوند دارد و بازتابی از آن است و تنها زمانی می‌تواند معنا یابد که در تعامل با یک نظام اجتماعی باشد. به عقیده او دو بدن "خود و جامعه"^۱ هستند که گاهی اوقات در هم ادغام و گاهی از هم دور می‌شوند و تنش میان آنها اجازه تفسیر نمادها را می‌دهد. او بدن فیزیکی را جهان کوچکی از جامعه می‌داند که مواجهه‌اش با مرکز قدرت، قراردادهای و توسعه‌اش در توافقی مستقیم با فشارهای اجتماعی است و فاصله میان دو بدن، دامنه‌ی فشار و طبقه‌بندی دو جامعه را می‌رساند. یک نظام اجتماعی پیچیده برای خودش شیوه‌هایی از رفتار کردن را بوجود می‌آورد تا نشان دهد که روابط انسانی در مقایسه با موجودات حیوانی، از قید جسم رها شده‌اند و از درجات مختلفی از عدم تجسم استفاده می‌کند تا سلسله مراتب را نشان دهد (داگلاس، ۱۹۹۶: ۷۷).

ب) رویکرد جامعه‌شناسانه

توجه به مقوله "بدن" همزمان با توجه به مفهوم "خود" در جامعه‌شناسی نیز وجود دارد. این نظریه‌ها را می‌توان در چند دسته جای داد که از جمله آنها می‌توان به نظریات کنش متقابل نمادین، نظریات مدرنیست‌ها، نظریه‌های ساختارگرایانه و نظریه‌های پساساختارگرایانه اشاره کرد.

اروینگ گافمن

اروینگ گافمن^۲ با ارائه نظریه نمایشی^۳، از استعاره‌های تثاتری برای توصیف نمایش افراد یاری می‌گیرد. او زندگی اجتماعی را مجموعه‌ای از نقش‌های نمایشی مانند اجرای نقش در صحنه تثاتر می‌داند. به اعتقاد گافمن، از آنجایی که در رویارویی‌ها؛ تأثیرگذاری‌های اولیه مهم هستند (گافمن، ۱۹۵۹: ۱۱) ظاهر، که برای خود شخص و برای دیگران قابل رویت و نمایش است و به عنوان کانون توجه در برخوردهای اجتماعی قلمداد می‌شود، می‌تواند به عنوان نشانه‌ای برای تفسیر کنش به کار گرفته شود. به نظر او «خود در رویارویی‌هایی عمومی نامعلوم است و مشارکت کنندگان باید از آن مراقبت نمایند» (کراسلی، ۱۹۹۵: ۱۳۹)، و جنبه‌ای از خود که مطلوب و مقبول دیگران باشد را به نمایش بگذارند. از این رو مراقب هستند

-
1. Self & society
 2. E. Goffman
 3. Dramatyrigical theory

تا ویژگی‌ها و صلاحیتهای خود را نشان دهند و مدیریت می‌نمایند تا حرکات و اعمال بدن خود را به طور دقیق و به دور از هر گونه اختلال و کاستی انجام دهند و از این روست که به زعم گافمن تکنیک‌های بدن نقش مهمی را در اینجا ایفا می‌نماید. (همان، ۱۴۰).

از نظر گافمن (۱۹۶۹، ۱۹۷۴، ۱۹۷۹) بدن واسطه مردم در گذر زندگی روزمره است. این میانجی‌گری شامل راه‌هایی است که مردم از طریق آن چگونگی نمایاندن به دیگران را مورد بحث قرار می‌دهند. برای مثال، گافمن از راه‌های برقراری ارتباط از طریق بدن، یعنی حالت‌های چهره، نوع لباس پوشیدن و طرز ایستادن بحث می‌کند (پارکر، ۱۳۸۷: ۲۴). نادیده گرفتن صورت از نظر اجتماعی امری بسیار مشکل به نظر می‌رسد. صورت نشان دهنده سن، جنیست، موقعیت اقتصادی - اجتماعی، سلامتی و حتی شخصیت افراد است. صورت منبع ارتباطات شفاهی و نیز روابط غیر کلامی است (سیننوت^۱، ۱۹۸۸: ۶۰۶). از نظر گافمن، صورت در تعامل چهره به چهره و نیز در عملکردهای اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. صورت اجتماعی یک صورت عمومی است و نیازمند تغییر دائمی نقاب موجود بر آن است. آرایش، وسیله‌ای برای بدست آوردن این نقاب است. تنها در شرایط احساسی شدید، تنهایی یا در حضور دوستان است که نقاب (آرایش) صورت کنار می‌رود و صورت خصوصی یا همان شخص واقعی ظاهر می‌گردد (همان، ۶).

برایان ترنر

رشد جامعه‌شناسی بدن را عمدتاً به زمان انتشار کتاب معروف برایان ترنر^۲ با عنوان بدن و جامعه^۳ در سال ۱۹۸۴ نسبت می‌دهند. او در این کتاب به مباحث گوناگونی در خصوص رابطه بدن و جامعه همانند رابطه جامعه‌شناسی و بدن، بدن و مذهب، نظم مبتنی بر بدن، انضباط، حکومت بدن، بیماری و اختلال و هستی‌شناسی اختلاف و نیز جنسیت و بدن، مصرف و بدن، کم‌اشتهایی و چند مبحث دیگر را مورد بحث و بررسی قرار داده است. و معتقد است که تغییراتی چون صنعتی شدن، فرد گرایی و مدرنیته سبب توجه به بدن شده و بدن در این دوران با هویت و با مفهوم خود ارتباط پیدا کرده است و البته «ظهور خود مدرن، کاملاً با توسعه مصرف‌گرایی و مصرف مرتبط است» (ترنر، ۱۹۹۶: ۷). او توجه تجاری و مصرفی به بدن را به عنوان نشانه‌ای از زندگی خوب و شاخصی از سرمایه فرهنگی در جوامع مدرن و پسا صنعتی در نظر می‌گیرد، که توجه به زیبایی بدن، انکار بدن سالخورده، طرد مرگ، اهمیت

1. Synnot, Antony
2. B.S.Turner
3. The body & society

ورزش و ارزش متناسب بودن بدن در جوامع از پیامدهای آن بوده است. ترنر بر این باور است که بدن در نظام‌های اجتماعی مدرن زمینه اصلی فعالیت فرهنگی و سیاسی گردیده است. صنعت زیبایی، ضمن ارائه دانش و مهارت‌های ویژه به کارفرمایان و اشخاص، به اهمیت رو به رشد آن دسته از اشکال اجتماعی هویت بدنی که از نظر اجتماعی پذیرفته شده هستند، دامن می‌زند (ویلینگتون، ۲۰۰۱: ۹۳۳).

نوربرت الیاس

نوربرت الیاس^۱ نیز در مطالعه تاریخی خود با عنوان فرایند متمدن شدن^۲ (۱۹۳۹)، تاریخ رفتار و رفتار متمدنانه را با مراجعه به کتاب‌های آداب و تشریفات از اواخر قرون وسطی تا قرن نوزدهم دنبال می‌کند. به اعتقاد او، جوامع به دنبال متمدن شدن خصلت خود انضباطی را به آدمها تحمیل می‌نمایند و افراد در دوره‌های اخیر، به واسطه افزایش خود آگاهی، به لزوم مراقبت از خود پی برده‌اند و برای نشان دادن تمایز میان خود متمدن و خود طبیعی و حیوانی، به معاینه و مراقبت خود و نیز دیگران توجه نشان داده‌اند و اینجاست که «شخصیت و فرهنگ دست در دست یکدیگر حرکت می‌کنند» (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۳۵).

میشل فوکو

میشل فوکو^۳ (۱۹۸۴ – ۱۹۲۶) را باید یکی از معروفترین صاحب نظرانی دانست که در نوشته‌ها و کتاب‌های خود درباره پزشکی، زندان و جنسیت، به مقوله "بدن" توجه نموده است. او بدن را به عنوان ابژه‌ی قدرت و دانش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و بدن را همچون فرآورده قدرت و دانش می‌پندارد و آن را ساخته و پرداخته اجتماع می‌داند. فوکو که در مباحثش به چگونگی می‌پردازد و نه چرایی، معتقد است که بدن جزئی از روابط قدرت است و این روابط قدرت است که بدن را ساخته و آن را به انقیاد درآورده و از لحاظ سیاسی و اقتصادی مفید و سودمند می‌سازد؛ البته به زعم فوکو، روابط قدرت فراتر از نهاد دولت و انقیاد بدن، به واسطه تکنولوژی سیاسی خاص صورت می‌گیرد. تکنولوژی سیاسی بدن، مجموعه تکنیک‌هایی است که روابط سه‌گانه قدرت، دانش و بدن را به یکدیگر پیوند می‌دهد (ذکایی و فرزانه، ۱۳۸۸: ۴۹ و ۴۸).

1. N. Elias
2. the Civilizing Procety
3. M. Foucoault

ج) رویکرد مطالعات فرهنگی

علاقه اولیه به مقوله بدن را می‌توان در مطالعات فرهنگی بریتانیایی دید. یکی از مهمترین آثار در این خصوص، کتاب خرده فرهنگ، معنای سبک (۱۹۷۹) دیک هبدایج^۱ است. هبدایج که به تحلیل خرده فرهنگ‌های خیابانی نظیر پانک، تدی بویز و غیره می‌پردازد، بدن را به عنوان نخستین محمل هویت آنان برمی‌شمارد و معتقد است که آنها «به جای امر مصرف، بر بدن‌هایشان به عنوان ابزار تجلی تکیه می‌کنند چرا که بدن یکی از معدود مصالحی است که در اختیار دارند» (دیورینگ، ۱۳۸۲: ۱۵). این خرده فرهنگ‌ها همچنین سبک‌ها را با یکدیگر تلفیق کرده و به یکدیگر پیوند می‌دهند، به گونه‌ای که از آن معنای خاص و جدیدی به دست می‌آید. هبدایج همچنین، رفتار این خرده فرهنگ‌ها را نوعی مقاومت در مقابل مصرف‌گرایی و نیز بیکاری می‌داند و لذا خصلتی سیاسی بدان می‌بخشد.

د) دیدگاه فمینیستی

رویکردهای فمینیستی جامعه‌شناختی به رغم تنوع از وجه مشترک اساسی برخوردارند. در این رویکردها زمینه، تصویر و ارزیابی دختران از اندام خود در متن مشکلات آنها در جامعه، فرهنگ، نظام معنایی و یا موقعیت زبانی دیده می‌شود که زنان نمایش می‌دهند. تقسیم بندی‌های کلاسیک این رویکردها به محافظه کار، سوسیالیست و رادیکال، تحلیل‌های متفاوتی را از رابطه زنان با بدن خود ارائه می‌کنند. برای مثال در استدلال فمینیستی نوع لیبرال، زنان پایگاه اجتماعی و قدرتی پایین‌تر دارند و در نتیجه امکانات کمتری دارند. نتیجه مهم این موقعیت پایین‌تر، ارزش زدایی از ویژگی‌ها و ویژگی‌هایی است که با زن بودن همراه است و یا به آن منتسب داشته می‌شود (استریگل مور، ۱۹۹۵: ۲۲۵).

نمایش تصاویر بدن‌های زیبا، جوان و در طلب لذت، فراغت و نمایش تأکیدی بر اهمیت ظاهر و چهره است (فدرستون، ۱۹۹۱: ۱۷۰). تصاویر ارائه شده در مجلات و دیگر رسانه‌ها تأثیر به‌سزایی در ترویج این فرهنگ مصرفی دارد و واکنش‌های هیجانی شدیدی را از جمله لذت، تمایل و خود شیفتگی^۲ در جوانان برانگیخته است. اما در همان حال، تردید و ترس‌هایی نیز بر جای گذاشته است. برای نمونه، بی‌اشتهایی مزمن در نوجوانان را می‌توان با تصاویر تبلیغ شده از بدن‌های نوجوانان بسیار لاغر که به عنوان مدل در رسانه‌ها ظاهر می‌شوند مرتبط دید. سازو کار تأثیرگذاری روانی و اجتماعی این تصاویر و تبلیغات، کانون تحلیل‌های فمینیستی بوده است که ارزش زنان در نظام مردسالارانه سرمایه‌داری را منوط به نزدیک شدن آنها به استانداردهای

1. D. Hebdige
2. Celebrity Culture

تعریف شده زیبایی می‌داند. بنابراین این رویکرد فیمینیستی در خصوص اهمیت یافتن مدیریت ظاهر نزد زنان بر این باور استوار است که کنترل بدن و مدیریت ظاهر، بطور پیوسته نوعی استراتژی است که توسط زنان اعمال می‌شود تا در جهان اجتماعی جنسی شده برای خود هویت، قدرت و عاملیت دست و پا کنند چرا که زنان از دسترسی به قدرت شبیه مردان محروم هستند و می‌خواهند از این طریق اعمال قدرت نمایند (لاکمن، ۲۰۰۳).

چارچوب نظری

با توجه به موضوع مقاله که رابطه مدیریت بدن و متغیرهای زمینه‌ای - اجتماعی مؤثر بر آن است، چهارچوب نظری منتخب در این مقاله نظریه‌های بوردیو و گیدنز می‌باشد.

نظریه آنتونی گیدنز درباره بدن

جامعه شناس انگلیسی آنتونی گیدنز^۱، معتقد است در عصر مدرن، "خود" به طرحی تبدیل می‌شود که باید ایجاد کرد و نه چیزی که سنت یا عادت به طور قطعی تعیین کرده است. این طرح امکان تردید قابل ملاحظه و تهدید احساس پوچی را با خود به همراه می‌آورد. اما چنین امکان برنامه‌ریزی و زندگی انتخاب شیوه زندگی را به افراد می‌دهد. او این تغییر نگرش نسبت به خود و نیز نسبت به بدن را به مفهوم سیاست زندگی پیوند می‌زند. سیاست زندگی که حول هویت، سبک زندگی و اخلاقیات دور می‌زند «در پیوند با آزادی افراد برای انتخاب و مطرح کردن پاسخهایی به این پرسش حیاتی است که چگونه فرد باید زندگی کند. به دیگر سخن، سیاست زندگی ارتقای خود شکوفایی فردی است» (کیویستو، ۱۳۸۲: ۲۰۷).

از نگاه گیدنز، پیکر ما فقط نوعی موجودیت طبیعی نیست که مالکیت آن را به ما تخصیص داده باشند، بلکه بدن نوعی دستگاه متحرک است، مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌هاست و غوطه‌ور شدن عملی آن در کنش‌های متقابل زندگی روزمره یکی از ارکان عمده نگاهداشت و تحکیم مفهوم منسجم و یک پارچه‌ای از هویت شخصی است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۴۴). وی تاکید می‌کند که بدن نیز مثل شخصیت به مکانی برای تعامل، تخصیص و تخصیص مجدد تبدیل می‌شود. توجه به بدن جستجویی برای هویت است و می‌توان با رجعت به آن، تعریف مشخصی را جستجو نمود که مقید به قواعد و انتظارات اجتماعی نیست (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۴۴). از آنجاییکه مقوله بدن یکی از مولفه‌های سبک زندگی افراد است که در اصطلاح گیدنز تبدیل به پروژه بازتابی شده است همان‌طور که بیان شد، بدن به عنوان مستقیم‌ترین و در دسترس‌ترین

قرارگاهی است که می‌تواند حامل و نمایشگر سبک‌های زندگی و اشکال هویتی باشد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۹).

آنتونی گیدنز (۱۹۹۱) تأثیر نظریه جامعه‌شناسی بر بدن را با هم مقایسه کرد، به نظر می‌رسد که بدن را به عنوان یک عنصر ثابت از طبیعت در نظر می‌گیرد، در حال حاضر در «مدرنیته متأخر» به صورت آشکار پروژه بدن به عنوان جراحی پلاستیک، نگهداری بدن و ورزش برای سلامتی و رژیم گرفتن درآمده است (فدرستون، ۲۰۰۶: ۲۳۴).

از نظر گیدنز، «خودآرایی و تزیین خویشتن با پویایی خویشتن مرتبط است. در این معنا پوشاک علاوه بر آن که وسیله مهمی برای پنهان سازی یا آشکار سازی وجوه مختلف زندگی شخصی است، نوعی وسیله خود نمایی نیز محسوب می‌شود؛ چرا که لباس آداب و اصول رایج را به هویت شخصی پیوند می‌زند» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۹۵). به اعتقاد گیدنز، حالات چهره و دیگر حرکات بدن فراهم آورنده قرائن و نشانه‌هایی است که ارتباطات روزمره ما مشروط به آنهاست. به عبارت دیگر، برای آنکه بتوانیم به طور مساوی با دیگران در تولید و باز تولید روابط اجتماعی شریک شویم، باید قادر باشیم نظارتی مداوم و موفقیت‌آمیز بر چهره و بدن خویش اعمال کنیم (همان، ۸۶ و ۸۷). بنابراین امروزه بدن افراد، نمایانگر هویت متمایز بین آنان شده است که اشخاص از خود به نمایش می‌گذارند یعنی افراد با نوع مدیریتی که بر بدن خود اعمال می‌کنند، هویت شخصی متمایزی را نیز در معرض دید دیگران قرار می‌دهند. در واقع بدن افراد در مدرنیته متأخر مولد هویت متمایز بین آنان شده است. تا جایی که فوکو معتقد است انسان مدرن کسی است که می‌کوشد هویت خود را بازآفریند (احمدی، ۱۳۸۶: ۶۸).

نظریه پی‌یر بوردیو درباره بدن

پی‌یر بوردیو^۱ یکی از صاحب‌نظران مطرح است که از نظریه عمل او به عنوان پایه‌ای برای جامعه‌شناسی بدن نام برده می‌شود، او به سرمایه فرهنگی در تولید نابرابری اشاره می‌کند و آن را موجب بروز تفاوت‌هایی در جریان زندگی روزمره افراد می‌داند. به نظر او، سرمایه فرهنگی اشاره به سلاقی و الگوهای مصرفی است که از لحاظ فرهنگی دارای ارزش بوده و خود را در یک زندگی متجلی می‌سازند. بوردیو همچنین در اثر تمایز نشان می‌دهد که سلیقه را به عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه فرهنگی جامعه تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، سلیقه مقوله‌ای اجتماعی است و صرفاً به واسطه نزاع و کشمکش عاملان و کنشگران فعال می‌تواند تغییر کند و افراد طبقات اجتماعی بالاتر، توانایی این را دارند که سلیقه‌هایشان را مورد پسند همگان بسازند و

1. Bourdieu, P

البته با سلايق افراد طبقات پايين به مخالفت بپردازند و بنا بر اين معيارهاي زيبايي و تناسب طبقات بالا و نيز معيارهاي زيبايي کشورهاي پيشرفته مقبوليتي همگاني مي يابد (ذکايي و فرزانه، ۱۳۸۸: ۴۸ و ۴۹).

بدین ترتیب، به گفته بوردیو (۱۹۸۴) این بدن است که بايگانی «حافظه»^۱ و ابزاري است که به واسطه آن و از طريق مبادله سرمايه اجتماعي و فرهنگي دائماً حضور خود را در عرصه‌هاي زندگي اعلام مي کنيم و در شبکه مناسبات اجتماعي از آنچه در ايام جواني آموخته ايم مدد مي گيريم (بوردیو، ۱۹۸۴: ۲۴۸).

بوردیو معمولاً سرمايه تجسم يافته را به عنوان بخشي از سرمايه فرهنگي و به سان یک فرهنگ مصرف شده در بدن مورد تحليل قرار مي دهد. به اعتقاد بوردیو، مدیریت و رشد بدن "در عامل انساني، به طور کلي و توليد سرمايه فرهنگي و اقتصادي و دستيابي و حفظ منزلت، مهم است. در واقع، مدیریت بدن بواسطه زمان و مکان مي تواند به عنوان سازنده بنيادي در توانايي افراد به نظر رسد تا در امور اجتماعي مداخله نموده و تفاوت هايي را در جريان زندگي روزانه ايجاد کند" (شيلينگ^۲، ۱۹۹۱: ۶۵۴). بوردیو، هدف مدیریت بدن را اکتساب منزلت، تمايز و پايدگي مي داند. وي در تحليل خود از بدن به کالايي شدن بدن در جوامع مدرن اشاره مي کند که به صورت سرمايه فيزيکي ظاهر مي گردد. بوردیو اين سرمايه فيزيکي را در گرو رشد و گسترش بدن مي داند؛ به گونه اي که بدن حامل ارزش در زمينه هاي اجتماعي گردد. از نظر بوردیو، بدن به عنوان شکل جامعي از سرمايه فيزيکي، در بردارنده منزلت اجتماعي و اشکال نمادين متمايز است. تبديل سرمايه فيزيکي در واقع به معنای ترجمه و تفسير حضور بدني برحسب اشکال گوناگون سرمايه (اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي) در ميدان کار، فراغت و ... مي باشد (شيلينگ، ۱۹۹۳: ۱۲۷). بوردیو با در نظر گرفتن بدن به عنوان یک سرمايه فرهنگي، هويت هاي افراد را با ارزش هاي اجتماعي منطبق با اندازه، شکل و ظاهر بدني مرتبط مي سازد (ذکايي، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

حال از آنجايي که مدیریت بدن به عنوان يکي از شاخص ها و مولفه هاي سبک زندگي مطرح است (چاوشيان، ۱۳۸۱: ۸۳)، مي توان بيان داشت؛ که سرمايه فرهنگي از طريق قريحه و سليقه افراد بر سبک زندگي تأثير مي گذارد؛ به نوعي بر چگونگي مدیریت بدن افراد نيز به عنوان يکي از مولفه هاي سبک زندگي تأثير گذار است. بوردیو (۱۹۸۴) با استفاده از مفهوم سرمايه فيزيکي، ارتباط ظاهر و ويژگي هاي جسماني را به عنوان يکي از اشکال سرمايه با ديگر

1. memory
2. Shilling, Cris

صورت‌های سرمایه تشریح می‌کند (بوردیو، ۱۹۸۴: ۲۵۲).

فرضیات تحقیق

- هر یک از متغیرهای جمعیتی اجتماعی (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و پایگاه اقتصادی - اجتماعی) با مدیریت بدن پسران جوان رابطه دارد.
- هر یک از متغیرهای جمعیتی اجتماعی (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و پایگاه اقتصادی - اجتماعی) با مدیریت بدن دختران جوان رابطه دارد.
- بین دختران و پسران از لحاظ مدیریت بدن رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

در این مطالعه برای رسیدن به اهداف و پاسخ‌گویی به سوالات تحقیق، از روش پیمایش اجتماعی^۱ استفاده گردیده و داده‌ها با استفاده از تکنیک پرسشنامه با سوالات بسته و باز جمع‌آوری شده است، جامعه آماری تحقیق، جوانان (پسر و دختر) ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر گیلانغرب می‌باشند که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ تعداد آنها برابر با ۷۳۵۵ است از این تعداد، ۳۳۶۱ نفر پسر و ۳۹۹۴ نفر دختر هستند که بعنوان جامعه آماری این تحقیق در نظر گرفته می‌شوند (www.sci.org.ir). داده‌های پژوهش، با استفاده از نرم افزار SPSS پردازش و توصیف و تحلیل شده است.

حجم نمونه (نمونه آماری) تحقیق با استفاده از فرمول کوکران، ۳۶۰ نفر تعیین شد که در تحقیق حاضر برای بالا بردن اعتبار تحقیق، نمونه آماری به ۴۰۲ نفر افزایش داده شد. از این تعداد ۲۵۴ نفر دختر و ۱۴۸ نفر پسر هستند. نحوه محاسبه تعیین حجم نمونه تحقیق برای نمونه آماری مطالعه حاضر به شرح ذیل می‌باشد.

$$N = 9905, p = 0.5, t = 1/96, d = 0.05, q = 0.5 :$$

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq}$$

$$n = \frac{7355 \times (1/96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{7355 \times (0.05)^2 + (1/96)^2 \times 0.5 \times 0.5} = \frac{9512/76}{25/72} = 360$$

روش نمونه‌گیری: از آنجائی که هیچ فهرستی از جامعه آماری در دست نبود لذا انتخاب

نمونه احتمالی با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و یا سیستماتیک از افراد میسر نبود. بنابراین مناسب‌ترین روش نمونه‌گیری برای این تحقیق، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای طبقه‌ای متناسب بوده است. پس از انتخاب افراد به صورت تصادفی در سطح شهر، پرسشنامه تحقیق بین پاسخگویان توزیع گردید.

اعتبار^۱ و پایایی^۲ تحقیق

مفهوم اعتبار به این سؤال پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد. بدون آگاهی از اعتبار اندازه‌گیری نمی‌توان به دقت داده‌های حاصل از آن اطمینان داشت (سرمد و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۷۰). در این تحقیق برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش اعتبار‌صوری و سازه^۳ استفاده شده است. در عین حال از نظر داوران برای سنجش اعتبار استفاده شده است (دواس، ۱۳۷۶: ۶۴). همچنین، برای سنجش پایایی پرسشنامه مبنی بر قدرت تبیین‌کنندگی گویه‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتیجه این پردازش و روایی بدست آمده در جدول شماره (۱) بیان شده است.

جدول ۱. ضریب آلفای مقیاس‌های تحقیق

مفهوم	ابعاد	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	آلفای کل
مدیریت بدن	آرایش صورت	۲۹	۰/۹۲	۰/۸۷
	لباس‌های اندامی	۱۱	۰/۷۷	
	جراحی زیبایی	۵	۰/۶۷	
	رژیم‌های لاغری	۲۲	۰/۷۳	

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

سن: در این پژوهش سن پاسخگویان از آن نظر اهمیت دارد که به میزانی که از عمر افراد سپری می‌شود بر تجارب و آگاهی آن‌ها افزوده می‌گردد. هنسن و دیگران معتقدند اگر مردان بیش از حد به جوانی خود بها نمی‌دانند، هیچ زنی به دروغ‌گویی درباره سن خود تن نمی‌داد. دیدگاه مردان، زنان را به این دریافت می‌رساند که سن چیزی همانند بیماری و‌اگیردار و یا واژه‌ای ناپاک است (هنسن و دیگران، ۱۳۸۱: ۶۶).

تحصیلات: منظور از تحصیلات، تعیین مدرک تحصیلی پاسخگویان در هر یک از سطوح

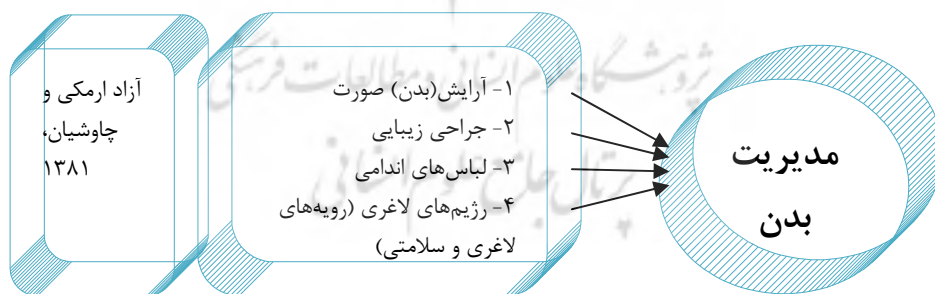
1. Validity
2. Reliability
3. Construct Validity.

پنج گانه کمتر از دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و بالاتر است.
پایگاه اقتصادی - اجتماعی: جایگاه سلسله مراتبی افراد با توجه به قدرت اقتصادی و منزلت اجتماعی آنهاست که از طریق ترکیب معرف‌های، درآمد خانواده، شغل پدر و مادر و میزان تحصیلات پدر و مادر بدست آمده است. بعد شغل بر اساس نمره منزلت شغلی (ناییبی و عبدالهیان، ۱۳۸۱) بدست آمده و نهایتاً پس از استاندارد کردن ابعاد سه گانه فوق و ترکیب آنها با هم متغیر مورد نظر بدست آمده است.

آرایش (بدن) صورت: استفاده از مواد آرایشی برای قسمت‌های خارجی بدن انسان شامل اپیدرم (پوست) سیستم مو، ناخن‌ها، لب‌ها، و اندام‌های ژنیتال (خارجی)، به منظور پاکیزگی، زیبایی، معطر سازی یا حفاظت و یا نگهداری از آنها در شرایط مناسب یا تغییر و اصلاح ظاهر و یا اصلاح نمودن بدن استفاده شود.

جراحی زیبایی^۱: به اعمال جراحی پزشکی می‌گویند که برای زیباسازی یا رفع آسیب‌های ظاهری بخشی از صورت یا بدن انسان (بازسازی مناطق آسیب دیده از پوست، رفع پین و چروک و لکه‌ها، یا بینی) برای بهبود ظاهر فرد انجام می‌شود.

لباس‌های اندامی: لباس‌های تنگ و بدن نما را لباس‌های اندامی می‌گویند. رژیم‌های لاغری (رویه‌های لاغری و سلامتی): یعنی تنظیم مصرف غذا و ورزش به بهبود وضعیت جسمانی، به خصوص برای از دست دادن وزن. برای رژیم‌های لاغری دختران و پسران، ۴ بعد در نظر گرفته شده است، (۱) تناسب اندام، (۲) لاغر شدن، (۳) دلیل روی آوردن جوانان به لاغر شدن و (۴) کنترل وزن.



شکل ۱. شاخص‌های سازنده متغیر مدیریت بدن

یافته‌های توصیفی تحقیق

بررسی‌های توصیفی، آماره‌های ساده و اولیه‌ای را فراهم می‌نماید که می‌توان تحلیل‌های تبیینی را بر پایه آنها بنا نهاد. همچنین آماره‌های توصیفی می‌تواند به شناخت کامل‌تر جامعه مورد بررسی کمک نماید.

جدول ۲. ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخ‌گوها

متغیر	طبقات پاسخ‌گویان	تعداد	درصد
جنسیت	زن	۲۵۴	۶۲.۳
	مرد	۱۴۸	۳۶.۸
سن	گروه سنی ۱۵-۱۹	۸۴	۲۰.۹
	گروه سنی ۲۰-۲۴	۱۸۶	۴۶.۳
	گروه سنی ۲۵-۲۹	۱۳۲	۳۲.۸
وضعیت تأهل	مجرد	۳۳۰	۸۲.۱
	متأهل	۷۲	۱۷.۹
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	پایین	۱۱۵	۲۸.۶
	متوسط	۲۳۸	۵۹.۲
	بالا	۴۳	۱۰.۷

همانطور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، ۶۲/۳ درصد آزمودنی‌ها دختر و ۳۶/۸ درصد پسر بودند. همچنین از نظر سنی ۲۰/۹ درصد از پاسخ‌گویان در رده سنی ۱۵-۱۹ سال، ۴۶/۳ درصد در رده سنی ۲۰-۲۴ سال و ۳۲/۸ درصد در رده سنی ۲۵-۲۹ سال قرار دارند. بیشترین فراوانی در دامنه سنی ۲۰-۲۴ سال قرار داشت، به طوری که بیشترین فراوانی در جنس مونث مربوط به ۱۸ ساله‌ها و در جنس مذکر مربوط به ۲۱ ساله‌ها بود. از نظر تأهل، ۱۰ درصد متأهلین دختران و ۸ درصد متأهلین پسران بودند. به عبارتی دیگر، نزدیک به ۸۲/۱ درصد از پاسخ‌گویان مجرد و ۱۷/۹ درصد متأهل‌اند. ۲۸.۶ درصد از پاسخ‌گویان در طبقه پایین، ۵۹.۲ درصد در طبقه متوسط و ۱۰.۷ درصد در طبقه اقتصادی-اجتماعی بالا قرار داشته‌اند. همچنین، از نظر تحصیلات، ۱۱/۴ درصد از پاسخ‌گویان در مقطع راهنمایی، ۲۱/۹ درصد در مقطع متوسطه، ۳۲/۸ درصد در مقطع دیپلم، ۱۲/۹ درصد در مقطع فوق دیپلم، ۱۸/۴ درصد در مقطع لیسانس و ۲/۵ درصد در مقطع تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر قرار دارند.

وضعیت مدیریت بدن پاسخ‌گویان:

متغیر وابسته مدیریت بدن شامل چهار بعد آرایش صورت (دختران و پسران)، جراحی زیبایی، لباس‌های اندامی (دختران و پسران) و رژیم‌های لاغری می‌باشد. تمامی این ابعاد از سنجش مدیریت بدن پاسخ‌گوها، در یک طیف پنج قسمتی به دست آمده است.

بر اساس نتایج توزیع فراوانی ابعاد چهارگانه مدیریت بدن که شرح آن در جدول شماره (۳) می‌باشد. یافته‌های این جدول در نگاه نخست بیان‌گر آن است که میزان مجموع این ابعاد مدیریت بدن در بین پاسخ‌گویان در سطح نسبتاً متوسطی بوده است؛ به گونه‌ای که میانگین ۲/۸۲ از ۵ را دارا می‌باشد. در وهله دوم یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که از میان ابعاد چهارگانه مدیریت بدن، جراحی زیبایی، آرایش صورت (پسر و دختر)، رژیم‌های لاغری و لباس‌های اندامی (دختر و پسر) به ترتیب با میانگین‌های ۴/۱۰، (۳/۷۷ و ۳/۵۱)، ۳/۶۵ و (۳/۰۳ و ۳/۰۳) درصد را دارا بوده‌اند.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخ‌گوها برحسب ابعاد مختلف مدیریت بدن

میانگین از (۵)	خیلی زیاد		زیاد		تا حدودی		کم		خیلی کم		ابعاد مدیریت بدن
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴/۱	۰	۰	۱/۵	۶	۱۸/۹	۷۶	۴۶/۸	۱۸۸	۳۲/۸	۱۳۲	جراحی زیبایی «پسر و دختر»
۳/۵۱	۰	۰	۶/۳	۱۶	۴۴/۹	۱۱۴	۴۰/۲	۱۰۲	۸/۷	۲۲	آرایش صورت «پسران»
۳/۶۵	۰	۰	۲	۸	۳۴/۸	۱۴۰	۵۸/۷	۲۳۶	۴/۵	۱۸	رژیم‌های لاغری «پسر و دختر»
۳/۷۷	۰	۰	۰	۰	۳۵/۸	۵۳	۵۰/۷	۷۵	۱۳/۵	۲۰	آرایش صورت «دختران»
۳/۰۳	۱/۲	۳	۳۳/۹	۸۶	۰/۳۵	۸۹	۲۰/۱	۵۱	۹/۸	۲۵	لباس‌های اندامی «دختران»
۳/۰۳	۱/۴	۲	۳۴/۵	۵۱	۳۲/۴	۴۸	۰/۲۳	۳۴	۸/۸	۱۳	لباس‌های اندامی «پسران»
۲/۸۲	۰	۰	۲۱/۶	۸۷	۷۴/۶	۳۰۰	۳/۷	۱۵	۰	۰	مدیریت بدن کل

میزان توجه به جراحی زیبایی در بین جوانان دختر و پسر (۴/۱ از ۵) بوده است. برخی از مطالعات انجام گرفته رواج جراحی‌ها را زمینه‌ساز روی آوردن ایرانی‌ها به جراحی‌های ناحیه

صورت و به ویژه بینی می‌دانند، چرا که صورت مرکز توجه است و بدین خاطر، ایرانی‌ها در زمینه انجام جراحی زیبایی بینی گوی سبقت را از همه جهانیان ربودند و از این حیث باید ایران را پایتخت جراحی بینی دنیا دانست (ذکایی و فرزانه، ۱۳۸۸: ۵۶). در کشور ما نیز اگر چه تمایل به انجام این گونه جراحی‌ها در سال‌های اخیر روزافزون بوده است، اما مباحث پیرامون آن عمدتاً بر پایه تخمین‌ها و گزارشات ژورنالیستی بوده است. خلاء مطالعات در این حوزه بیشتر نمایان می‌شود وقتی که طبق آمارهای غیر رسمی، کشور ما یکی از بالاترین ارقام انجام جراحی زیبایی را - حداقل در کشورهای منطقه دارد (کیوان آرا و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۶). نتایج این بعد از مدیریت بدن منطبق با نتایج تحقیق کیوان آرا (۱۳۸۹) می‌باشد.

در مرتبه‌ی بعد، آرایش صورت پسران و دختران قرار دارد که به استفاده از مواد آرایشی برای قسمت‌های خارجی بدن انسان شامل اپیدرم (پوست) سیستم مو، ناخن‌ها، لب‌ها، و اندام‌های ژنیتال (خارجی)، به منظور پاکیزگی، زیبایی، معطرسازی یا حفاظت و یا نگهداری از آن‌ها در شرایط مناسب یا تغییر و اصلاح ظاهر و یا اصلاح نمودن بدن استفاده شود. میانگین پاسخ‌گویان دختر و پسر به ترتیب، (۳/۷۷ و ۳/۵۱ از ۵) به استفاده از مواد آرایشی پرداخته‌اند.

رژیم‌های لاغری یعنی تنظیم مصرف غذا و ورزش به بهبود وضعیت جسمانی، به خصوص برای از دست دادن وزن و ساختن تناسب اندام. رژیم‌های لاغری به اندازه‌ای است که میانگین پاسخ‌گویان دختر و پسر به میزان (۳/۶۵ از ۵) از توجه به رژیم‌های لاغری بهره‌مند بوده‌اند. رژیم‌های لاغری به طور فزاینده‌ای به یکی از پدیده‌های رایج در فرهنگ جوانان (دختر و پسر) تبدیل شده است. نگاهی اجمالی به حجم تبلیغات اختصاص داده شده در مطبوعات و نشریات تخصصی در چند سال اخیر، گویای این توجه است (ذکایی، ۱۳۸۷: ۱۳۳). به رغم اهمیت فزاینده «تناسب» برای دختران و پسران که حتی در ارزیابی جوانان در امر ازدواج نیز به عنوان یک معیار به حساب آمده، جدول فوق به روشنی بیانگر آن است. تفاوت‌هایی نیز در سطح اجتماع و ساز و کارهای اجتماعی شدن قابل طرح است. فشار تبلیغات رسانه‌ای و الگوسازی‌های آن هم چنان با شدت زیادی متوجه دختران است. توسل به رژیم‌های سخت لاغری و میل به تناسب برای این گروه، تنها رفتاری برای داشتن جلوه‌ای مقبول و همراهی با جریان غالب و شیوه‌ای برای زندگی است. بر اساس مطالعات انجام شده در جوامع غربی، فشار معیارهای زیبایی حاکم و تأکید بر لاغر بودن، بر دختران نوجوان بیش از پسران می‌باشد، به طوری که تصویر ذهنی نامطلوب از وزن و اندام خویش در دختران شایعتر از همسالان مذکرشان گزارش شده است (امیدوار و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۵۸). تحقیقات (۲۰۰۰) نیز نشان می‌دهد که

"دخترانی که نسبت به شکل ظاهری خود یا وزن خود ابراز نارضایتی کرده‌اند، نسبت به آنانی که تصویر مثبتی از بدن خود در سر داشته‌اند، از عزت نفس پایین‌تری برخوردار بودند" (احمدنیا، ۱۳۸۴: ۱۴۰). به نظر می‌رسد ویژگی‌های ظاهری برای زنان بیشتر اهمیت دارد چرا که تصور می‌کنند چهره و بدن‌های زیباتر می‌تواند آنها را در دستیابی به اهداف و ایده‌آل‌های اقتصادی و اجتماعی خود یاری رساند. در واقع زنان با نوعی دید ابزاری به بدن‌های خود می‌نگرند. بدن و چهره‌ی مطلوب‌تر عملاً فرصت‌های بیشتر و بهتری را در شرایط جامعه مردم سالار برای زنان فراهم می‌سازد تا بتوانند به موفقیت‌های بیشتری در پیشبرد اهداف خود نظیر موفقیت در ازدواج، احراز یا ترقی در شغل یا حفظ و تداوم همسر و نظایر آن دست یابند (همان، ۱۳۸). این نتایج با یافته‌های ارمکی و چاوشیان (۱۳۸۱) همخوانی دارد.

در مرتبه آخر لباس‌های اندامی پسران و دختران قرار دارد. اکثریت قاطع پاسخ‌گویان پسر و دختر به ترتیب با میانگین یکسان، (۳/۰۳ از ۵) از لباس‌های اندامی بهره‌مند بوده‌اند. این نتایج فوق سهم پسران و دختران را بطور مساوی نشان می‌دهد.

نتیجه کلی از یافته‌های فوق که به سنجش متغیر وابسته مدیریت بدن در بین جوانان دختر و پسر منتهی شد این است که میانگین کل مدیریت بدن در بین دو جنس برابر با ۲/۸۲ می‌باشد. از این میانگین حدود ۳/۲ درصد از پاسخگویان از نظر «مدیریت بدن» در وضعیت «بالا»، و ۷۲/۹ درصد نیز در موقعیت «متوسط» و در آخر نیز حدود ۲۳/۹ درصد از این نظر در سطح «پایینی» قرار دارند.

بر اساس یافته‌های جدول (۳) می‌توان عنوان نمود، دختران به ظواهر جسمانی و بدنی خود اهمیت ویژه‌ای می‌دهند و به همین دلیل است که اهمیت دادن به ظواهر جسمانی در بین دختران از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. همچنین بر اساس جدول فوق می‌توان عنوان کرد که در شرایط حاضر مدیریت بدن و ظاهر نیز برای پسران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که احتمالاً می‌تواند متأثر از ویژگی‌های مدرنیته متأخر باشد. زیرا در مدرنیته متأخر، آنچه ما می‌پوشیم یا آنچه که بدن خود را توسط آنها آراسته می‌کنیم، نوعی ایده بدن محوری را مطرح می‌کند که خود و شخصیت ما را می‌سازد. در نتیجه، دختران جوان به آن ظواهری از زندگی خود اهمیت داده و بر آن نظارت دارند که تحت کنترل و در حوزه قدرت خود دارند. بدن حامل هویت برای آنان است و از طریق کنترل و دست‌کاری بر آن، بی‌قدرتی خود را در حوزه‌های دیگر جبران می‌کنند (گانتز، ۱۹۹۵: ۳۶). اما بر اساس نتایج بدست آمده در بین پسران، مدیریت بدن شاید به این دلیل مهم باشد که پسران جوان نیز همچون دختران، از این طریق می‌خواهند هویت شخصی خود را که تا حدودی متمایز از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی

محیط اطراف خود است، باز یابند (ابراهیمی و بهنویی ۱۳۸۸: ۱۶).

نتایج استنباطی

آزمون فرضیات

- بین سن جوانان و مدیریت بدن (دختران و پسران) رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۴. همبستگی بین سن پاسخ‌گویان با ابعاد مدیریت بدن

کل	رژیم‌های لاغری	لباس‌های اندامی	جراحی زیبایی	آرایش (بدن) صورت	مدیریت بدن		
					همبستگی	پسران	سن
۰/۱۴۵	۰/۰۵۰	۰/۱۸۰	-/۰۵۰	۰/۲۰۲	همبستگی	پسران	سن
۰/۰۷۹	۰/۰۵۴۹	۰/۰۲۹	۰/۰۵۶۴	۰/۰۱۴	سطح معناداری		
۰/۰۰۴	۰/۰۳۹	۰/۰۱۹	۰/۰۸۲	-/۰۵۹	همبستگی	دختران	
۰/۰۹۳۵	۰/۰۵۴۰	۰/۰۷۵۹	۰/۰۱۹۱	۰/۰۳۵۰	سطح معناداری		
Sig= ۰/۶۰۷			R= ۰/۰۲۶		مدیریت بدن کل (دختر و پسر)		

رابطه بین سن و ابعاد مدیریت بدن در جدول شماره (۴) ترسیم شده است. داده‌های این جدول حاکی از آن است که بین متغیر سن و مدیریت بدن بین دختران و پسران همبستگی وجود دارد اما این همبستگی به لحاظ معنادار بودن در بین ابعاد مدیریت بدن متفاوت می‌باشد. بدین معنی که سن پسران با دو بعد (آرایش بدن) صورت و لباس‌های اندامی) رابطه معنادار دارد. نکته جالب این است که سن دختران با ابعاد مدیریت بدن رابطه معناداری ندارد. حتی رابطه منفی را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی متغیرها نشان می‌دهد که با بالا رفتن میزان سن افراد میزان اهمیت به مدیریت بدن در بین آنان (دختر و پسر) کاهش پیدا می‌کند. همچنین ضریب همبستگی بین سن و مدیریت بدن جوانان حاکی از آن است که هر چه میزان سن بالا رود برداشت آنان از خویشتن تقویت می‌شود اما این همبستگی معنادار نیست.

این نتیجه با نتایج تحقیقی آزاد ارمکی و چاوشیان (۱۳۸۱)، فاتحی و اخلاصی (۱۳۸۷)، ابراهیمی و بهنویی (۱۳۸۸)، رضایی و دیگران (۱۳۸۹)، پرستش و دیگران (۱۳۸۷) و رابینسون (۲۰۰۶) متفاوت می‌باشد. زیرا نتایج تحقیق آنان نشان داد که بین سن جامعه مورد

مطالعه و مدیریت بدن آنان رابطه وجود دارد.

جدول ۵. مقایسه میزان میانگین مدیریت بدن کلی پاسخ‌گویان بر حسب وضعیت تأهل

سطح معناداری	T مقدار	میانگین	فراوانی	وضعیت تأهل	مدیریت بدن
۰/۰۹۱	۱/۶۹۸	۲۵/۲	۴۰	متأهل	دختران
		۲۵/۸	۲۱۴	مجرد	
۰/۴۵۶	-۰/۷۳۲	۲۶/۱	۳۲	متأهل	پسران
		۲۵/۸	۱۱۶	مجرد	

تفاوت میانگین مدیریت بدن کل بر حسب وضعیت تأهل، که از ترکیب چهار بعد (آرایش بدن) صورت، جراحی زیبایی، لباس‌های اندامی و رژیم‌های لاغری) تهیه شده، در جدول شماره (۵) ترسیم شده است. یافته‌های این جدول بیانگر آن است که میانگین میزان مدیریت بدن برای دختران مجرد ۲۵/۸ و برای متأهلین ۲۵/۲ بوده است. آزمون T نشان دهنده آن است تفاوت مشاهده شده بین دختران مجرد و متأهل به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. همچنین، میانگین مدیریت بدن کل برای پسران مجرد و متأهل به ترتیب، ۲۵/۸ و ۲۶/۱ می‌باشد. بنابراین بین پسران و دختران به لحاظ تأهل با مدیریت بدن رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۶. آزمون رابطه بین میزان تحصیلات با مدیریت بدن

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر
۰/۱۵۵	۰/۰۸۹	مدیریت بدن پسران
۰/۱۱۲	۰/۱۳۱	مدیریت بدن دختران
۰/۲۹۸	۰/۰۵۲	کل

نتایج حاصل از جدول شماره (۶) نشان می‌دهد که میزان تحصیلات جوانان با مدیریت بدن آنان همبستگی دارد اما این همبستگی به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد. به عبارت دیگر نتایج نشان می‌دهد که میزان تحصیلات پاسخگویان دختر و پسر با چگونگی مدیریت کردن بدن آنان همبستگی مثبت دارد. این نتیجه با یافته‌های آزاد ارمکی و چاوشیان (۱۳۸۱)، ابراهیمی و بهنویی (۱۳۸۸) و پرستش و دیگران (۱۳۸۷) همخوانی دارد. میزان تحصیلات جوانان (دختر و پسر) نشان می‌دهد که همبستگی دختران بیشتر از پسران می‌باشد و این نتیجه شاید به این دلیل باشد، که محیط‌های بیرون از خانواده مثل مدرسه و مخصوصاً دانشگاه باعث می‌شود که

دختران با بسیاری از تمایزات و نمادهای متفاوت با قشرهای مختلف دیگر روبرو شوند و این باعث می‌شود که آنها بیشتر از پسران، به مدیریت بدن خود توجه و نظارت داشته باشند.

جدول ۷. آزمون تحلیل واریانس پایگاه اقتصادی - اجتماعی با مدیریت بدن

گروه	طبقه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار f	سطح معناداری
مدیریت بدن دختران	پایین	۴۹	۲۵/۲	۰/۷۴	۳/۱۷۳	۰/۰۴۵
	متوسط	۷۲	۲۶/۲	۰/۶۶		
	بالا	۲۲	۲۶/۴	۰/۷۳		
مدیریت بدن پسران	پایین	۶۶	۲۵	۰/۸۱	۵/۶۱۱	۰/۰۰۴
	متوسط	۱۶۶	۲۵/۹	۰/۹۶		
	بالا	۲۱	۲۶/۸	۰/۷۹		

نتیجه آزمون آنوا (F) در جدول (۷) نشان می‌دهد که بین میانگین میزان مدیریت بدن دختران و پسران برحسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ چون سطح معنی‌داری مشاهده شده پایین‌تر از ۰/۰۵ است با ۰/۹۵ اطمینان می‌توان گفت که تفاوت معنی‌داری بین میانگین مدیریت بدن بر حسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی در بین پاسخ‌گویان وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد با بالا رفتن پایگاه اقتصادی - اجتماعی، میزان اهمیت جوانان (دختر و پسر) به مدیریت بدنشان زیاد می‌شود. بر این اساس می‌توان عنوان کرد که هر چه پایگاه اقتصادی - اجتماعی جوانان بالاتر باشد میزان اهمیتی که آنان به مدیریت بدن خود می‌دهند نیز اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در واقع تفاوت میانگین دیده شده در نمونه واقعی معنادار بوده و فرض صفر رد می‌شود. آزاد ارمکی و چاوشیان (۱۳۸۱)، فاتحی و اخلاصی (۱۳۸۷) پرستش و دیگران (۱۳۸۷) نیز همین نکته را یادآور می‌شوند.

به منظور سنجش تأثیر متغیرهای مستقل جمعیتی اجتماعی (متغیرهای سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات و پایگاه اقتصادی و اجتماعی) بر میزان مدیریت بدن در بین جوانان و تعیین سهم هر یک از این متغیرها، از آزمون رگرسیون گام به گام^۱ استفاده شد که خروجی آن در جدول ۸ قابل مشاهده است.

جدول ۸. خلاصه مدل رگرسیون خطی چند متغیره بین متغیرهای مستقل با مدیریت بدن (پسران و دختران)

سطح معناداری	T	ضریب استاندارد شده (Beta)	ضریب تعیین R ²	ضرایب استانداردشده		متغیر مستقل
				خطای معیار (Std.Error)	ضریب رگرسیونی (B)	
۰/۰۰۰	۷.۰۵۹		۰/۰۵۲	۰/۲۸۷	۲.۰۲۵	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۴.۱۹۸	۰/۲۰۶		۰/۰۷۹	۰/۳۳۴	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۰/۰۴۷	۱.۹۹۳	۰/۰۹۸		۰/۰۱۹	۰/۰۳۸	میزان تحصیلات
R = ۰/۲۲۷ ضریب همبستگی						

چنانچه داده‌های جدول (۸) نشان می‌دهد از میان متغیرهای وارد شده (متغیرهای سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات و پایگاه اقتصادی و اجتماعی) در مدل اولیه، دو متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و میزان تحصیلات به طور همزمان حدود ۵۲٪ درصد واریانس متغیر وابسته (مدیریت بدن) را توضیح و پیش بینی می‌نمایند. مقایسه بتاها نشان می‌دهد پایگاه اقتصادی - اجتماعی با ضریب بتای ۲۰۶٪ قوی‌ترین و میزان تحصیلات با ضریب بتای ۹۸٪ ضعیف‌ترین می‌باشد. همچنین ضریب همبستگی میزان ۲۲۷٪ را نشان می‌دهد.

نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین مدیریت بدن و عوامل اجتماعی می‌باشد. جامعه آماری شامل جوانان (دختر و پسر) ۱۵-۲۹ سال شهر گیلانغرب می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد میانگین مدیریت بدن (۲/۸۲ از ۵) است. این میانگین برابر با ۵۶.۴ درصد است. همچنین متغیرهای جمعیتی- اجتماعی، با مدیریت بدن رابطه معناداری دارند. نتایج رگرسیونی خطی چند متغیره نشان می‌دهد از بین متغیرهای جمعیتی- اجتماعی مذکور تنها متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی با ضریب بتای (۰/۲۰۶) قوی‌ترین رابطه را با مدیریت بدن جوانان (دختر و پسر) نشان می‌دهد. بطور کلی مدل ارائه شده در این مقاله ۵/۲ درصد تغییرات متغیر وابسته مدیریت بدن را توضیح می‌دهد.

پاسخ به این سؤال که آیا بین سن و نمره شاخص مدیریت بدن پسران و دختران رابطه‌ای وجود دارد و آیا تفاوت سن در افراد می‌تواند واریانس نمره مدیریت بدن آنها را تبیین کند، توسط مقادیر ضریب همبستگی پیرسون، انجام شده است. بر اساس نتایج بدست آمده، همبستگی منفی و ضعیفی ۰/۲۶ بین سن و شاخص مدیریت بدن جوانان (پسر و دختر) برقرار است. بدین معنی که هر اندازه بر سن افراد نمونه افزوده می‌شود، سطح مدیریت بدنشان به مقدار اندک افزایش می‌یابد اما از آنجا که سطح معناداری این رابطه از مقدار مجاز خطا در علوم اجتماعی - برابر با ۰/۰۵ یا ۵ درصد- بسیار بیشتر است بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم رابطه میان سن و سطح مدیریت بدن تأیید می‌شود. رابطه میان سن و مدیریت بدن را می‌توان تلاشی برای دور نگه داشتن یاد مرگ و نیز منحرف ساختن ذهن از تأمل در آن (حتی به صورت ناخودآگاه) دانست که به وسیله اشتغال دائم به امور پی‌درپی و دائماً نو شونده از جمله مدیریت و آرایش بدن، محقق می‌شود. بر پایه مفهوم اضطراب بدن^۱، بسیاری از مردم بدن خود را به عنوان یک پروژه تلقی می‌کنند که دلالت بر خطرناک بودن محیط پیرامونی و ترس از سالخوردگی، بیماری و مرگ دارد (شیلینگ، ۱۹۹۳:۳۹).

جهت سنجش معناداری رابطه وضعیت تأهل با متغیر وابسته مدیریت بدن، از آزمون T (Independent Samples Test)، استفاده شده است. مقدار ضریب T نشان دهنده تفاوت میانگین مدیریت بدن و وضعیت تأهل را نشان می‌دهد. همچنین، نتایج مقایسه میانگین نشان می‌دهد که وضعیت تأهل جوانان با چگونگی مدیریت کردن بدن آنان رابطه دارد اما این رابطه برای پسران معنادار نمی‌باشد، در صورتی که میانگین میزان تأهل پاسخ‌گویان دختر با چگونگی

مدیریت کردن بدن آنان رابطه دارد. برای بررسی رابطه میزان پایگاه اقتصادی - اجتماعی با مدیریت بدن، از آزمون معناداری F (تحلیل واریانس) و رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است. آزمون F نشان می‌دهد چون سطح معنی‌داری مشاهده شده برای دو گره پسر و دختر کمتر از ۰/۰۵ است با ۹۵٪ اطمینان می‌توان گفت که تفاوت معنی‌داری بین میانگین مدیریت بدن بر حسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی در بین پاسخ‌گویان وجود دارد. در واقع تفاوت میانگین دیده شده در نمونه واقعی معنادار بوده و فرض صفر رد می‌شود. متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان تحصیلات با ضریب تأثیر رگرسیونی ($R^2=0/052$) توانسته است مدیریت بدن جوانان را پیش‌بینی کند. همچنین نتایج حاصل شده نشان داد، که جوانان منوط به اینکه از لحاظ طبقه اجتماعی در چه جایگاهی باشند در مدیریت بدن آنان اثر گذار است. این نتیجه شاید به فرضیه بورديو برگردد که بدن را غیر قابل منازعه‌ترین مظهر تجلی سلیقه طبقاتی می‌داند که خود را در صورت متفاوتی نشان می‌دهد (ذکایی، ۱۳۸۶). بر اساس نظرات بورديو می‌توان گفت نوعی تناسب و تعادل میان خورد و خوراک، پوشاک، خانه مسکونی، تحصیلات و اتومبیل در زندگی اجتماعی ما برقرار شده است. بنابراین، نشانه‌های گوناگون زندگی، معرف تصاویر ذهنی خاص گروه اجتماعی و موضع نسبی این گروه در جامعه می‌باشد. طبقه اجتماعی، قریحه فرهنگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد به نحوی که افراد طبقه‌ی بالا از فرهنگ و هنر متعالی استفاده می‌کنند و در خلال این فرایند، مدعی تمایز، برتری و مشروعیت برای خود می‌شوند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۷).

همچنین، نتایج ضریب همبستگی پیرسون در رابطه با میزان تحصیلات و مدیریت بدن دختران و پسران نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین این دو وجود ندارد. در واقع می‌توان گفت تفاوت مشاهده شده معنادار نبوده و فرض صفر تأیید می‌شود. با سنجش رابطه میزان تحصیلات جوانان با مدیریت بدن آنان معین گردید که میزان تحصیلات در نظر دختران بیش از پسران می‌تواند در مدیریت بدن آنان تأثیرگذار باشد. تحصیلات نقشی حیاتی در زندگی جوانان در جامعه معاصر دارد. به عبارتی، تحصیلات نمودی از سرمایه فرهنگی است. به این ترتیب، سرمایه فرهنگی - مثل مدرک تحصیلی - تعیین کننده شانس‌های زندگی فرد است و در نظام شایسته سالاری دانشگاهی و تحصیلی، سلسله مراتب اجتماعی را سامان می‌دهد (ویلینگ و دیگران، ۲۰۰۱: ۲۴۶). فرد از طریق جامعه و خانواده می‌آموزد که به بدن و ظاهر خود اهمیت دهد - بخصوص دختران - در صورت ناتوانی در تطابق با ارزش‌ها و معیارهای تناسب و زیبایی فشار بسیاری را متحمل می‌شوند و این مسئله یعنی وارد آمدن فشار هنجاری، در دختران بواسطه‌ی انتظاری که جامعه از آنها برای "زیبا بودن" و "متناسب بودن" دارند،

نمود بیشتری می‌یابد. لذا جای تعجب نیست که " دلمشغولی بدن یکی از مهمترین نگرانی‌ها در زندگی دختران نوجوان می‌باشد" (گروگن، ۱۹۹۶: ۶۶۸).

طبیعت جامعه شناسی بدن به تفاوت بین مرد و زن مرتبط می‌شود. زنان همیشه دوست دارند که لاغرتر باشند ولی مردان هم دوست دارند لاغرتر باشند به همان اندازه که دوست دارند اضافه وزن داشته باشند. تمایل به کاهش وزن به تصور بدنی ضعیف مرتبط است و زنان بیشتر از مردان دوست دارند کاهش وزن داشته باشند. در حالی که زنان خودشان را در گروه وزنی مورد قبول یا اضافه وزن دسته‌بندی می‌کنند مردان بر روی سه گروه تمرکز می‌کنند: وزن کم، وزن متوسط و اضافه وزن. عموماً مردانی که می‌خواهند اضافه وزن داشته باشند به افزایش حجم بدن‌شان علاقه‌مند نیستند یعنی علاقه‌ای به چاق شدن ندارند آنها می‌خواهند عضلانی‌تر باشند (چن و اسوالم، ۱۹۸۴: ۱۳۴). دلیل اینکه مردان دوست دارند عضلانی باشند این است که بدن‌های عضلانی، بدن مردانه را منعکس می‌کند یعنی (مردانگی) و مردان با تصور بدنی ضعیف احساس می‌کنند که مردانگی‌شان را از دست داده‌اند و سعی می‌کنند که آنها را با ابزارهای متفاوت جبران کنند. مردانی که از مردانگی‌شان ناراضی‌اند ممکن است دست به رفتارهای تهاجمی و شدید بزنند به عنوان ابزارهایی که مردانگی‌شان را تعریف می‌کند، از این رو تهاجم به عنوان استراتژی رفتار مردانه است (بورديو، ۱۹۹۶: ۴۱۸).

هر یک از ما به عنوان افراد جامعه همواره توسط دیگر اعضای جامعه ارزیابی می‌شویم و همواره بخشی از این قضاوت‌ها، که اساس شکل‌گیری موقعیت‌های اجتماعی هستند، مبتنی بر قیافه و ظاهر افراد بوده است. به عبارت دیگر زیبایی و بهره‌مندی از آن از خصایص (سابقاً طبیعی و امروزه قابل حصول) بارزی است که همواره دارندگان آن را در ارزیابی‌های اجتماعی نسبت به افراد معمولی و کمتر بهره‌مند از زیبایی در موقعیت بهتری قرار داده است. با توجه به این، رشد فناوری‌های تغذیه، سلامت و ورزش در کنار اهمیت یافتن عاملیت، استقلال عمل، مصرف‌گرایی شدید، اهمیت یافتن جوانی و افزایش علاقه به بدن جوان و زیبا که خود از فرهنگ عامه‌پسند رسانه‌های نو تأثیر زیادی پذیرفته است، بدن و بدنی شدن را به موضوعی محوری در مطالعات اجتماعی و فرهنگی جامعه معاصر تبدیل کرده است، فرهنگ بدن تصویری از جامعه و تحولات کلان فرهنگی و نیز روند تغییرات آن ارائه می‌کند.

در دنیای متجدد کنونی، جوانان از شیوه‌های زندگی معینی پیروی می‌کنند که باعث می‌شود هویت شخصی را برای خود برگزینند، و خود را در برابر دیگران متجسم سازند. بنابراین شیوه‌های زندگی به صورت عملکردهای روزمره برای آنان در می‌آیند، عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک و ... در می‌آیند. افزون بر این، گزینش یا ایجاد شیوه‌های زندگی تحت تأثیر

فشارهای گروه و مدل‌های رفتاری آنها، و همچنین زیر نفوذ اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی، صورت می‌گیرد.

به نظر لایس (۱۹۸۶) دوره اخیر مدرنیته فرهنگ بصری و نمایشی است (آزاد ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۵۹). در میان این ظواهر، بدن به مثابه یکی از قابل دسترس‌ترین مکان فیزیکی است که می‌توان حامل و نمایش دهنده تفاوت‌های شیوه زندگی و شکل هویت باشد. بنابراین بدن و جسم تبدیل به اصل هویتی می‌گردد (همان، ۵۹، به نقل از ترنر، ۱۹۹۴). جوانان (پسر و دختر) به آن ظواهری از زندگی خود اهمیت داده و بر آن نظارت دارند که تحت کنترل و در حوزه قدرت خود دارند. بدن حامل هویت برای آنان است و از طریق کنترل و دست‌کاری آن، بی‌قدرتی خود را در حوزه‌های دیگر جبران می‌کند (گانتز، ۱۹۹۵: ۷۲). بدین‌سان جسم و ظاهر آن، به یک اصل نمادین در بین جوانان (دختر و پسر) بدل شده است. یعنی به تدریج که محیط فعالیت‌های اجتماعی از جامعه سنتی فاصله می‌گیرد، ما بیش از پیش مسئول طراحی بدن‌های خویش می‌شویم. بدین معنی که در دنیای امروزی (مدرنیته متأخر) مدیریت ظاهر انسان‌ها، به نوعی تبدیل به رسانه‌ای برای هویت‌شان شده است بدین لحاظ است که ویژگی عمده مدیریت بدن به عنوان یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی در دوران مدرنیته متأخر، خاصیت بیانگرانه پیدا می‌کند زیرا که هویت اجتماعی امروزمین افراد به نوعی با مدیریت ظاهر و بدنی خاص مطابقت دارد. بر اساس نتایج بدست آمده از مقوله‌های مدیریت بدن در بین پسران شاید به این دلیل باشد که پسران جوان نیز همچون دختران، از این طریق می‌خواهند هویت شخصی خود را که تا حدودی متمایز از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی محیط اطراف خود است، باز یابند.

منابع

- ابادری، یوسف و حسن چاوشیان (۱۳۸۱)، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، صص ۲۷-۳.
- ابراهیمی، قربانعلی و بهنویی، عباس (۱۳۸۸)، سرمایه فرهنگی، مدیریت ظاهر و جوانان (مطالعه موردی دختران و پسران شهر بابلسر)، پژوهش زنان، دوره ۸، شماره ۳، صص ۱۷۶-۱۵۳.
- ارمکی، تقی آزاد و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱)، بدن به مثابه رسانه هویت، مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴.
- احمدنیا، شیرین (۱۳۸۴)، جامعه شناسی بدن و بدن زنان، در فصل زنان، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران: شماره ۵.
- احمدی، طیب (۱۳۸۶)، مدیریت بدن و هویت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه گیلان.
- استریناتی، دومینیک (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک نظر، انتشارات گام نو: تهران.
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۳)، درآمدی بر نظریه فرهنگی، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- امیدوار، نسرين، شهریار اقتصادی، محمود قاضی طباطبایی، سارا مینایی، سعید ثمره (۱۳۸۱)، تصور ذهنی بدن و ارتباط آن با نمایه توده بدنی و الگوی مصرف مواد غذایی در نوجوانان شهر تهران، در مجله پژوهش در پزشکی (مجله پژوهشی دانشکده پزشکی) دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید بهشتی، شماره ۴.
- پارکر، جان (۱۳۸۷)، ساختار بندی، ترجمه امیر عباس سعیدی پور، تهران: آشیان.
- پرستش، شهرام، بهنویی، عباس و محمودی، کریم (۱۳۷۸)، بررسی جامعه شناختی مدیریت ظاهر و هویت فردی در بین جوانان (مطالعه موردی شهر بابلسر)، دو فصلنامه علوم اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۴۹-۱۹.

- چاوشیان تبریزی، حسن (۱۳۸۱)، سبک زندگی و هویت اجتماعی مصرف و انتخاب‌های ذوقی به عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوره اخیر مدرنیته، پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- دیورینگ، سایمون (۱۳۸۲)، مطالعات فرهنگی (مجموعه مقالات)، ترجمه نیما ملک محمدی و شهریار وقفی پور، انتشارات تلخون: تهران
- ذکایی، محمد سعید و فرزانه، حمید (۱۳۸۸)، زنان و فرهنگ بدن: زمینه‌های انتخاب جراحی‌های زیبایی در زنان تهرانی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، صص ۴۵-۶۵.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۵)، فرهنگ مطالعات جوانان، تهران: نشر آگه.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی جوانان، تهران: نشر آگه.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۷)، جوانان، بدن و فرهنگ تناسب، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۱۷-۱۴۱.
- رضایی، احمد، اینانلو، مینا و فکری، محمد (۱۳۸۹)، مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی در بین دختران دانشگاه مازندران، مطالعات راهبردی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۷، صص ۱۷۰/۷-۱۴۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ هفتم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سرمد، زهره و دیگران (۱۳۸۲)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگه.
- فاتحی، ابولقاسم و اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۷)، مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن مطالعه موردی زنان شهر شیراز مطالعات راهبردی زنان، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۹-۴۲.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم، صبح صادق.
- فیتز پتریک، تونی (۱۳۸۵)، نظریه‌های رفاه جدید، ترجمه هرمز همایون پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن در میان جوانان گیلانغرب _____ ۱۰۷

- کیوان آرا، محمود، ربانی، رسول و زیانپور، مهدی (۱۳۸۹)، قشربندی اجتماعی و اصلاح بدن جراحی زیبایی به مثابه نماد پایگاه اجتماعی، مطالعات راهبردی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۷، صص ۱۷۰/۷-۱۴۱.
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۲)، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صیوری، تهران: نشر
- گیبینز، جان آر و بو ریمر (۱۳۸۱)، سیاست پست مدرنیته، ترجمه منصور انصاری، تهران: گام نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز: تهران.
- لچت، جان (۱۳۷۸)، پنجاه متفکر بزرگ معاصر: از ساختارگرایی تا پسامدرنیته، ترجمه محسن حکیمی، انتشارات حجسته: تهران
- نایی، هوشنگ و عبدالهیان، حمید (۱۳۸۱)، تبیین قشربندی اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۲۳۶-۲۰۵.
- هسن، جوزف و دیگران (۱۳۸۱)، آرایش، مد و بهره‌کشی از زنان، (افشنگ مقصودی)، تهران: نشر گل آذین.
- درگاه آمار ایران www.sci.org.ir
- Bourdieu, P. (1984) The Forms of Capital in Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education. (ed.) JG. Richardson, New York: Greenwood Press, (pp. 241-258).
- Bourgois, P. (1996) In search of masculinity. British Journal of Criminology 36, pp. 412-425, 1996.
- Crossley, Nick (1995) Body Techniques, Agency and Intercorporeality: On Goffman Relation Public, Sociology, Vol. 29, No. 1.
- Douglas, M. (1996) Natural Symbols, exploration in Cosmology, Routledge, London and New York.
- Featherstone, M. (1991) Consumer Cultural and Postmodernism, London: Sage.
- Fetherstone, Mike. (2006) Body Image/Body Without Image: the Cultur Society, London: Sage 123-236.

- Ganetz, H. (1995) *The Shop, the Home and Feminity as a Modernity*, London: Sage Publication.
- Goffman, Erving. (1959) *the Presentation of Self in everyday Life*, Doubleday Anchor Books, Doubleday & Company, Inc, Garden City, New York.
- Grogan, Sarah & N.Wainwright. (1996) *Growing up in the Culture of Stenderness T Girls experience of body Dissatisfaction*, women's Studies International Forum. Vol 19, No 6, pp. 665 – 673.
- Lennon, Sharron J. & Rudd, NancyvA. (1994) *Linkages between Attitudes towards Gender Roles, Body Satisfaction, Self – Esteem, and Appearance Management Behaviors in Woman*, Family and Consumer Scinces Research Joutnal, 24: 94-117.
- Robinson, Tommy Renee. (2006) *Clothing Behavior, Body Cathexis, and Appearance Management of Women Enrolled in a Commercial Weight Loss Programi..* Dissertation Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy. Faculty of Polytechnic Institute. Virginia State University.
- Rudd, Nancy A. &Lennon, Sharron J. (2000) *Body Image and appearance-Management Behaviors in College Women*”, Clothing and Textiles Research journal. 18: 152, 162.
- Shilling, Chris. (1993) *Body and Social Theory*, London, Sage publication.
- Shilling, Cris. (1991) *Educating the Body :Physical and the Production of Social Inequilities* Sociology, vol .25 .No 4.
- Strigel – Moore. R. (1995) *A Feminist Perspective on the Etiology of Eating Disorder*, in K. D. Brownell and C. G. Fairburn (eds) *Eating Disorder and Obesity: A comparative Handbook*, New York: The Guilford Press.
- Synnot, Antony. (1988) *Truth and Goodness, Mirrors and Masks, Part I: Sociology of Beauty and Face*, British Journal of Sociology, Vol 40, No4.
- Turner, Bryan, S. (1996) *the body and Society (Explorations in Social theory)*, Sage Publications: London.
- Wellington, A. Christine & Bryson, R. John. (2001) *At Face Value: Image Consultancy Emtional Labour and Professional Work*, Sociology, Vol 35, No 4.
- Chan, W. & Swalm, R.L. (1988) *Chinese and American college students' body image: perceived body shape and body affect*. Perceptual and Motor Skills 87, pp. 395–40.
- Wellington, A. Christine & Bryson, R. John (2001) *At Face Value: Image Consultancy Emtional Labour and Professional Work*. Sociology, Vol 35, No